

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

مبثنی بر اصول قانون اساسی
جلد اول: اصول کلی (اصول اول تا هفتم)



آیت الله عباس کعبی

پژوهشگر شورای نگهبان

سرشناسه: کعبی، عباس، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مبتنی بر اصول قانون اساسی
تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴.

ISBN: 978-600-95306-3-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: تحقیق و نگارش: محسن ابوالحسنی، محمدرضا اصغری شورستانی، علی بهادری

چهرمی، مهدی عرفانیان، علی فتاحی زفرقندی.

مندرجات: ج. ۱. اصول کلی (اصول اول تا هفتم)

شماره افزوده: ابوالحسنی، محسن، ۱۳۷۰-

شماره افزوده: شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۶۷۶۹

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

مبتنی بر اصول قانون اساسی

جلد اول: اصول کلی (اصول اول تا هفتم)

آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و نگارش (به ترتیب الفبا): محسن ابوالحسنی، محمدرضا اصغری

شورستانی، علی بهادری چهرمی، مهدی عرفانیان، علی فتاحی زفرقندی

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴ - تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۰۶-۳-۲

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

تهران: خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا، پلاک ۱۲

تلفکس: ۸۸۳۲۵۰۴۵

nashr@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir

فهرست اجمالی

پیش‌گفتار.....	۱۹
مقدمه.....	۲۱
درآمد: اصول حاکم بر قانون اساسی مبتنی بر مقدمه قانون اساسی.....	۲۹
بخش اول: انقلاب، همه‌پرسی و تشکیل جمهوری اسلامی.....	۳۹
مبحث اول: اعتقاد دیرینه‌ی ملت ایران به حکومت حق و عدل.....	۴۰
مبحث دوم: تحلیل مبانی انقلاب به رهبری مرجع تقلید.....	۵۴
مبحث سوم: تحلیل مبانی همه‌پرسی در تعیین نوع نظام حاکم.....	۶۱
بخش دوم: پایه‌ها، اهداف و راهکارهای دستیابی به اهداف.....	۷۷
مبحث اول: ارکان و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران.....	۷۸
مبحث دوم: اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی.....	۱۱۵
مبحث سوم: راه‌های تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران.....	۱۳۴
بخش سوم: وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵۱
مبحث اول: وظایف دینی دولت اسلامی.....	۱۵۴
مبحث دوم: وظایف فرهنگی دولت اسلامی.....	۱۷۳
مبحث سوم: وظایف اقتصادی دولت اسلامی.....	۱۸۶
مبحث چهارم: وظایف سیاسی دولت اسلامی.....	۲۰۶
مبحث پنجم: وظایف امنیتی و قضایی دولت اسلامی.....	۲۴۱
بخش چهارم: ابتدای نظام قانونگذاری بر شریعت اسلام.....	۲۵۳
مبحث اول: ابتدای قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی.....	۲۵۶
مبحث دوم: حکومت اصل چهارم.....	۲۷۸

مبحث سوم: مرجع تشخیص در اصل چهارم.....	۲۸۷
بخش پنجم: ولایت امر و امامت امت.....	۳۰۱
مبحث اول: مفهوم‌شناسی.....	۳۰۲
مبحث دوم: پیشینه‌ی ولایت فقیه.....	۳۱۳
مبحث سوم: ادله‌ی اثبات ولایت فقیه.....	۳۲۷
مبحث چهارم: صفات و شرایط لازم برای تصدی ولایت امر و امامت امت.....	۳۳۳
بخش ششم: مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور.....	۳۴۷
مبحث اول: نقش مردم در مراحل مختلف حکومت اسلامی.....	۳۴۹
مبحث دوم: ادله‌ی فقهی اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی.....	۳۵۹
مبحث سوم: سازوکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور.....	۳۷۲
مبحث چهارم: چارچوب‌های اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی.....	۳۷۷
بخش هفتم: شورا و مشورت.....	۳۸۹
مبحث اول: مفهوم‌شناسی.....	۳۹۲
مبحث دوم: مبانی و ادله‌ی شورا و مشورت.....	۳۹۴
مبحث سوم: قلمرو مشورت.....	۴۰۶
مبحث چهارم: ماهیت حقوقی مشورت در اسلام.....	۴۱۲
مبحث پنجم: انواع مشورت.....	۴۳۳
مبحث ششم: ارتباط شوراها و نهاد مشورت.....	۴۴۰
منابع و مأخذ.....	۴۵۹

پیش گفتار

اهمیت و جایگاه شورای نگهبان بر کسی پوشیده نیست و بیان تأکیدات مصرح در قانون اساسی، بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت و جایگاه این مقام در این مجال اندک نمی گنجد.

«پژوهشکده شورای نگهبان» به عنوان بازوی مشورتی حقوقی شورای نگهبان، علاوه بر ارائه نظرات مشورتی به شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب دولت با قانون اساسی، اقدام به انجام مطالعات نظری، راهبردی و کاربردی در خصوص موضوعات مختلف حقوق اساسی می نماید. این پژوهشکده که از سال ۱۳۷۶ تا اواسط سال ۱۳۹۲ با عنوان «مرکز تحقیقات شورای نگهبان» فعالیت می کرد، در سال ۱۳۹۲ با هدف ارائه خدمات پژوهشی بیشتر به شورای نگهبان و جامعه حقوقی کشور، تغییر عنوان و ساختار داد و با عنوان «پژوهشکده شورای نگهبان» فعالیت‌های جدیدی را آغاز نمود. در این مسیر با استفاده از نیروهای جوان و مستعد دانشگاهی و حوزوی، موضوعات مختلف مورد نیاز جامعه علمی که مرتبط با صلاحیت‌های شورای نگهبان است و نیز نیازهای پژوهشی شورای نگهبان، شناسایی شده و به ترتیب اولویت در دستور کار قرار گرفت که ثمرات آن در قالب مقالات علمی- پژوهشی، گزارش‌های پژوهشی، گزارش‌های کارشناسی و کتاب‌های مختلف به جامعه علمی و شورای نگهبان تقدیم می شود. کتاب حاضر نیز یکی از ثمرات فعالیتهای علمی پژوهشکده شورای نگهبان است که اکنون در منظر جامعه علمی قرار می گیرد. شایسته است که در اینجا از زحمات حضرت استاد آیه الله کعبی و تمامی پژوهشگرانی که زحمت تحقیق و نگارش این اثر را برعهده گرفتند صمیمانه تشکر کرده و از خداوند منان برای

آن‌ها توفیق روزافزون طلب نماییم. به یقین اگر همکاری نام‌برندگان و همچنین کوششی که عوامل اجرایی از جمله مسئول انتشارات، ویراستار، صفحه‌آرا و همه‌ی عزیزانی که در آماده‌سازی این کتاب سهیم بودند وجود نداشت، امروز شاهد به ثمر نشستن این تلاش علمی نبودیم. از همه ایشان سپاسگزاریم و امیدواریم قرین صحت و توفیق باشند.

با عنایت به مصون نبودن محصولات بشری از جمله این تلاش علمی از خطا و اشکال، از همه‌ی صاحب‌نظران و اندیشمندان تقاضا می‌کنیم از ارائه نظرات و ملاحظات خویش در جهت ارتقای کیفیت این اثر و سایر فعالیت‌های پژوهشکده دریغ نورزنند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

پژوهشکده شورای نگهبان

فروردین ۱۳۹۴

www.ketab.ir

مقدمه

شناخت دقیق و تحلیل مبانی و ابعاد یک نظام سیاسی در حوزه‌های معرفتی مختلف و از دیدگاه‌های گوناگون قابل بررسی است. برای نمونه گاهی جامعه‌شناسان با بهره‌گیری از مبانی و نظریات موجود در علم جامعه‌شناسی به تحلیل مبانی نظام می‌پردازند و سیاستمداران از اصول علم سیاست برای شناخت پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی بهره می‌گیرند. در این میان، این پژوهش به دنبال تحلیل حقوقی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این خصوص می‌توان گفت علم حقوق که بیانگر مجموعه قواعد و دستورهای رفتاری الزام‌آوری است که هدف نهایی آن تحقق حکومت نظم و عدل در روابط اجتماعی است، بخش عمده‌ای از مباحث خود را به تحلیل قواعد و رفتارهای سیاسی موجود میان فرماندهان و فرمانبران اختصاص داده است. گرایش حقوق عمومی و اصلی‌ترین شاخه‌ی آن حقوق اساسی نیز، عهده‌دار تحلیل، بررسی و قالب‌بندی رفتارها و ساختارهای سیاسی موجود در یک نظام حکومتی است.

در راستای مطالعه‌ی تحلیل مبانی نظام سیاسی از مجرای حقوق اساسی می‌توان از منابع متعددی مانند عرف و عادات سیاسی موجود در یک جامعه، قوانین و اعمال قوه‌ی مجریه، اسناد و مدارکی مانند آرا و نظریات علمای حقوق اساسی و... بهره برد، اما قانون اساسی هر کشور بهترین سند برای شناخت و تحلیل مبانی آن نظام سیاسی به‌شمار می‌رود، چراکه متن قانون اساسی به‌منزله‌ی عالی‌ترین سندی که بیانگر میثاق ملی و مشترک میان همه‌ی افراد ملت است، بیش از همه‌ی منابع ذکرشده نمایشگر مبانی و پایه‌های آن نظام سیاسی است. مطالعه و تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این کلیت مستثنایست. از این رو در این کتاب به‌منظور تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، به

بررسی و شرح اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۸ به تصویب نمایندگان مردم، تأیید امام راحل و پس از آن در همه‌پرسی به تأیید مستقیم مردم نیز رسید و در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت، پرداخته می‌شود.

شایان ذکر است از آن‌جا که اصلی‌ترین بنیان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شریعت مقدس اسلام است، دقیق‌ترین تحلیل از پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی ایران تحلیل مبتنی بر کلام و فقه اسلامی و آموزه‌های شریعت این دین الهی خواهد بود. این ضرورت از دو منظر قابل تبیین است:

اول آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران غنی‌ترین تجربه‌ی اجتهادی و بلکه نقطه‌ی عطفی در تحولات فقهی بر پایه‌ی مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در توصیف این ضرورت باید گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طرح حکومتی نوین بر ویرانه‌های نظام طاغوتی است که پس از طی سه مرحله‌ی اساسی و مهم، مبنای حکمرانی در نظامی مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار گرفت. رکن اول پذیرش ملت برای اعمال دستورهای اجتماعی و سیاسی شریعت اسلام در عرصه‌ی زندگی اجتماعی بود. تا زمانی که مردم به اجرای دستورهای اسلام در عرصه‌ی زندگی اجتماعی راضی نباشند، امکان عملی تحقق آرمان‌های اجتماعی و سیاسی شریعت وجود نخواهد داشت. از این‌رو پذیرش مردم شرط لازم برای اجرای دستورهای اجتماعی و سیاسی اسلام است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در بیانی خطاب به مردم کوفه چنین اشاره به توانمندی‌های خود در عرصه‌ی مبارزه با دشمنان دین از نافرمانی مردم کل‌مند بودند و می‌فرمودند «فرمانده و امیری که به سخنش گوش فرا داده نشود، قدرت تدبیر نخواهد داشت»^۱ از این‌رو جایگاه مردم و قبول ایشان اولین گام برای تشکیل حکومت و به تبع نگرارش متنی به‌عنوان مبانی، پایه‌ها، اهداف، وظایف و دستورالعمل‌های حکمرانی دینی است.

رکن دوم اجتهاد فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومان (علیهم‌السلام) است. بر این اساس، علما و فقهای اسلام‌شناس، مجموعه قواعد و مقرراتی را

۱. «لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعَ» (نهج البلاغه: خطبه‌ی ۳۷).

که در شریعت اسلامی درباره‌ی ماهیت و ساختارهای حکومت، حقوق ملت و رابطه‌ی دولت و ملت ذکر شده است، استخراج کرده و با کمک افراد آگاه از ادبیات جدید حکمرانی، متن قانون اساسی را تنظیم و آماده می‌کنند.

رکن سوم تنفیذ ولی فقیه است که از باب مقام حکومتی، به اجرای قانون اساسی الزام می‌کند، چراکه براساس آموزه‌های دینی هنگامی که امکان تشکیل حکومت برای یکی از فقها ایجاد می‌شود، بر سایر فقها واجب است که از دستورهای حکومتی وی تبعیت کنند.^۱ بر این اساس ولی فقیه اجتهاد سایر فقها و ساختاری را که مبنای حکمرانی تعریف شده است، تأیید و تنفیذ می‌کند و پس از آن، نسبت قانون اساسی به ولی فقیه در عرصه‌ی اجتماعی، نسبت مرجع تقلید با رساله‌ی عملیه‌اش در عرصه‌ی دستورهای فردی خواهد بود. بنابراین همان‌طور که مرجع تقلید مانند مقلدان خود موظف به رعایت احکام مندرج در رساله‌ی عملیه است، ولی فقیه نیز همچون سایر مردم موظف به رعایت ترتیبات مندرج در قانون اساسی خواهد بود. همان‌طور که ممکن است مرجع تقلید فتوایی داشته باشد که در رساله نیامده است و بعد از استفتاء از ایشان نظر خود را اعلام می‌کند، ولی فقیه نیز حق دارد تصمیماتی را براساس کلیات مندرج در قانون اساسی اتخاذ کند که در قانون اساسی به صراحت از حق وی در این خصوص یاد نشده است.

با توجه به آنکه سه رکن تشکیل حکومت اسلامی و در پی آن نگارش قانون اساسی در طول تاریخ شیعه برای اولین بار در کنار یکدیگر قرار گرفت، می‌توان گفت که نگارش قانون اساسی در یک نظام جدید براساس تعالیم اسلام تجربه‌ای کاملاً بدیع و نو بوده است. شهید سید محمدباقر صدر^۲ به عنوان یکی از شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارند: «برای اولین بار است که در تاریخ نوین اسلامی قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱. روح‌الله موسوی خمینی، البیع، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۲۴.

۲. شهید سید محمدباقر صدر، فیلسوف، متفکر و مجاهدی نستوه و یکی از نوابغ فقه شیعه بودند که امام خمینی علیه‌السلام او را «مفکر متفکر اسلامی» دانسته و ابراز امیدواری کردند که «کتاب‌های این مرد بزرگ مورد مطالعه‌ی مسلمین قرار گیرد».

ایران نگاشته می‌شود.^۱ از این رو تحلیل مبانی فقهی و کلامی قانون اساسی بر اساس منابع دسته‌ی اول که امری بدیع و بدون سابقه است، ضروری به نظر می‌رسد.

دومین علت از علل ضرورت توجه به تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های فقهی و کلامی شیعه، نیاز جامعه‌ی دانشگاهی به چنین پژوهش‌هایی است. در این زمینه می‌توان گفت حقوق اساسی از دروس اصلی در دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی حقوق است. «حقوق اساسی ۱» به کلیاتی همچون مفهوم حقوق اساسی، تعریف دولت-کشور و عناصر سازنده‌ی آن، انواع رژیم‌های سیاسی و قوای حکومتی می‌پردازد، اما در «حقوق اساسی ۲» همین موضوعات در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران با محوریت قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در دوره‌ی دکتری حقوق عمومی نیز درس مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی از جمله سرفصل‌های درسی دانشجویان است. با اینکه موضوعات مطرح شده در قانون اساسی بر پایه‌ی معارف مذهب شیعه و فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) نگاشته شده است، آنچه در مجامع دانشگاهی تدریس می‌شود یا به‌طور کلی فارغ از مبانی فقهی و کلامی است یا در حالات معدودی که به این مسائل اشاره شده، مباحث، در نهایت اختصار برگزیده می‌شود. در حالی که اگر دانشجویان رشته‌ی حقوق از این مبانی مطلع باشند، تحلیل حقوقی صحیح‌تری از قانون اساسی ارائه خواهند کرد. این نوشتار عمدتاً ناظر بر درس مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و در پی تأمین منبعی مناسب برای این درس است. از سوی دیگر با اینکه بحث‌های اجتهادی حوزه، متن‌محور است، به این معنا که فقها بر مبنای متنی^۲ که از قبل مشخص شده است، مباحث استدلالی خود را مطرح می‌کردند، در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با وجود

۱. «فیصنع لأول مرة فی تاریخ الإسلام الحدیث دستور الجمهورية الإسلامية» (محمدباقر صدر، الاسلام یقود الحیاة (موسوعة الشهد الصدر ج ۵)، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهد الصدر، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶).

۲. این متون عمدتاً شرایع الاسلام اثر محقق حلی در میان فقهای متقدم و عروة الوثقی اثر علامه سید محسن حکیم در میان فقهای متأخر است.

پشتوانه‌ی طولانی در عرصه‌ی اجرایی و اداره‌ی نظام اسلامی، پژوهشی اجتهادی صورت نگرفته و مبانی فقهی و کلامی آن به صورتی که نیاز مذکور را برای جامعه‌ی دانشگاهی تأمین کند، به رشته‌ی تحریر درنیامده است.^۳

براساس آنچه بیان شد، پرداختن به تحلیل مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصول قانون اساسی و بر مبنای آموزه‌های فقه شیعه، موضوعی ضروری به نظر می‌رسد.

پس از تبیین ضرورت تحلیل فقهی و کلامی مبانی نظام جمهوری اسلامی، آنچه ضروری به نظر می‌رسد، شیوه و نحوه‌ی تحلیل مبانی نظام مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام و با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر، برای اجرای این پژوهش باید از چه روشی بهره برد تا تحلیل فقهی و کلامی مبانی قانون اساسی تحلیلی دقیق و مستند به دستورهای اسلام ناب داشت؟

بهترین مسیر در سیر تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آموزه‌های فقهی و کلامی بهره‌گیری از آثار دسته‌اول فقه شیعه و آرا و نظریات فقها در خصوص ماهیت و مبانی فقه سیاسی در اندیشه‌ی اسلام است. به بیان دیگر،

۳. آنچه این موضوع را با مطالبه‌ی جدی‌تری همراه می‌کند، آن است که این اقدام در دوره‌ای از تاریخ تشیع توسط برخی فقهای امامیه انجام گرفته است. علامه محمد حسن کاشف الغطاء کتاب مجلة العدلیه یا مجلة الاحکام در دوره‌ی حکومت عثمانی را که برای تدریس در رشته‌ی حقوق دانشکده‌ی حقوق بغداد نگاشته شده بود، تنقیح کرده و آن را بر مبنای فقه امامیه برای دانشجویان رشته‌ی حقوق بازنویسی کردند. انگیزه‌ی نگارش این کتاب آن گونه که مؤلف بیان کرده است، این بوده که برخی دانشجویان رشته‌ی حقوق از ایشان درخواست کردند تا کتابی مختصر در بیان احوال شخصیه و معاملات مالی به شیوه‌ی فقه شیعه به نگارش درآورند. ایشان می‌گوید با توجه به اینکه کتاب مجلة العدلیه یا مجلة الاحکام کتاب درسی رشته‌ی حقوق در دانشکده‌های حقوق از زمان حکومت ترکان عثمانی تا امروز بوده آن را کتابی خوب، مرتب و دارای مطالبی ارزشمند دیدم، ولی با این وجود دارای نقائص، تکرار و مطالب اضافی و نیازمند به بیان مدارک برخی قواعد و فروع یافتم لذا این کتاب را به رشته‌ی تحریر در آوردم. تجربه‌ی مشابه دیگر که البته به شکل کتاب‌های دانشگاهی نبود و به همین دلیل در متن ذکر نشد، شرح امام خمینی (ره) بر کتاب وسیلة النجاة آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی است. ایشان ابواب مربوط به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از کتاب وسیلة النجاة را تکمیل و مباحث حکومتی متناسب با دوره‌ی انقلاب را بر پایه‌ی مباحث فقهی به آن اضافه کردند. نتیجه‌ی این کار کتاب تحریرالوسیله بود که به عنوان پایه‌ای برای قانونگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شد تا آن‌جا که برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۰ عیناً ترجمه‌ی متن فقهی تحریرالوسیله بود.

استخراج مستندات اصول قانون اساسی از منابع اسلامی و به‌خصوص کتاب و سنت با الهام از عقل که در منظومه‌ی معرفت دینی نه تنها مفتاح نیست، بلکه مصباح نیز است^۱، تحلیلی صحیح و واقع‌بینانه از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را به منصفی ظهور می‌گذارد. فایده‌ی استفاده از این روش در این نکته نهفته است که می‌توان تضییق و توسعه‌ی اصول قانون اساسی و نیز کشف روح حاکم بر اصل مربوطه را ضابطه‌مند و در چارچوب مشخص انجام داد؛ چراکه محدودی اطلاق و عمومیت اصول مختلف قانون اساسی با عنایت به نص اصل قانون اساسی باید از منابع فقهی به‌دست آید.^۲

پژوهش حاضر نتیجه‌ی سلسله جلسات حضرت استاد آیت‌الله کعبی است که پیرامون مبانی فقهی و کلامی اصول قانون اساسی در پژوهشکده‌ی شورای نگهبان تشکیل شده و توسط پژوهشگران دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی تحقیق و مستند سازی شده و به نگارش درآمده است. لذا از زحمات آقایان محمد رضا اصغری شورستانی (متولی تحقیق و نگارش بخش‌های اول، دوم و پنجم)، مهدی عرفانیان (متولی تحقیق و نگارش بخش سوم)، محسن ابوالحسنی (متولی تحقیق و نگارش بخش‌های چهارم، ششم و هفتم)، علی فتاحی زفرقندی (همکاری در تحقیق و نگارش بخش‌های اول و ششم) و علی بهادری جهرمی (مدیر گروه پژوهش) و سایر عزیزانی که در آماده سازی این اثر به نحوی همکاری داشته‌اند به ویژه آقای سید حجت الله علم الهدی که زحمت بازخوانی و ویرایش تخصصی متن را بر عهده داشته و آقایان دانیال دیانی و امین مددی تقدیر و تشکر می‌گردد.

در این مجموعه تلاش شده مبانی و نیز موضوعات مرتبط با آن، به صورت تحلیلی و در عین حال با روش علمی و دانشگاهی با رعایت اختصار مطرح شود تا مورد استفاده‌ی جامعه‌ی دانشگاهی قرار گیرد. شایان ذکر است که هر یک از اصول قانون اساسی از ابعاد گوناگون کلامی، فلسفی، اخلاقی، معرفتی،

۱. جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، قم: اسراء، ص ۵۲.

۲. اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است».

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوقی، مدیریتی و... قابل بحث و بررسی است؛ اما در این نوشتار تنها به ابعاد کلامی و فقهی آن توجه شده و در بیان سایر ابعاد به اشاره‌ای مختصر بسنده شده است. این مجلد به بررسی مبانی فقهی و کلامی فصل کلیات قانون اساسی (اصول ۱ تا ۷) و همچنین مقدمه‌ی قانون اساسی اختصاص دارد.

www.ketab.ir